فصل چهاردهم : حرکت

از مواردی که با دقت در آن می توان پی برد که لوح واقع اوسع از لوح وجود است، حرکت است. تحلیل حرکت از مشکل ترین مسائل پیش روی فکر بشر در طول تاریخ بوده است. وقتی می خواهیم حرکت را توضیح دهیم می گوییم «تشابک الوجود و العدم» یعنی وجود و عدم دست در دست هم گذاشته اند تا حرکت پدیدار شود. چگونه می شود اجتماع و ارتفاع نقیضین را محال بدانیم ولی نقیضین را در یک حقیقت جمع کنیم؟ این یعنی می خواهیم واقعیتی که بالوجدان آن را مشاهده می کنیم و نمی توانیم تحققش را انکار کنیم را با عناصری که مربوط به حوزه ی تحقق این واقعیت نیست توضیح دهیم.

نفس الامری داریم به نام حرکت که وقتی می خواهیم آن را تحلیل کنیم می گوییم: «تشابک عدمه و وجوده، تصرم وجوده» یعنی یوجد، ینعدم، تا می خواهیم بگوییم وجود، تمام می شود. بالاخره حرکت هست یا نیست؟ در کلاس برای تحلیل حرکت تشابک وجود و عدم مطرح شده است ولی بالاخره این تشابک چگونه با ضابطه ی تناقض جور می آید؟ از مشاهده ی چنین حقائق نفس الامریه ای متوجه می شویم که نفس الامر منحصر در وجود نیست و آنگاه می توان تحلیلی غیر از تشابک وجود و عدم برای حرکت ارائه نمود چرا که وقتی حقیقت تصرم با وجود و عدم قابل توضیح نباشد این خود علامت آن است که این حقیقت در حوزه ای که حوزه ی ثانی برای وجود و عدم است تحقق دارد. حال اینکه چه تحلیلی عرضه می شود و آیا تحلیل عرضه شده مخدوش است یا خیر مقصود این مقاله نیست بلکه غرض نشان دادن مواردی نفس الامری است که به وضوح نزد ناظر معلوم شود که این موارد داخل در داییره ی کن وجودی نیست. ولو در یک مورد از 12 مورد ذکر شده نزد ناظر این حکم روشن شود مقصود حاصل شده است.

بازبینی #1
ایجاد شده 20 فوریه 2025 16:39:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 فوریه 2025 16:40:09 توسط ... .